

انسداد سوگواری

درباره روزهای غم‌زده تهران و احساس تعلیق و اضطراب میان مردم



عکس: ایرنا

نسیم سلطان‌بیگی

خبرنگار گروه جامعه

خورشید، آسمان را بالا رفته و بر سر شهر می‌تابد، باد می‌وزد و آسمان آبی است، مردم شهر اما، به سوگی جمعی نشسته‌اند؛ فسرده‌تر، غمگین‌تر و مستأصل‌تر از همه، روزهایی است که پشت‌سر گذاشته‌اند. کافها، رستوران‌ها، مغازه‌ها و فروشگاه‌ها، کرکره‌هایشان را بالا کشیده‌اند اما آنقدر خالی از مشتری که صاحبان‌شان در خیابان به انتظار ایستاده‌اند؛ به انتظار مردمی که عصرها دیگر در خیابان نیستند و به خانه‌هایشان پناه می‌برند. به تلویزیون‌هایی که در زمانه قطعی اینترنت و ارتباطات، تنها روزنه رسیدن خبر است. مردمی که شهر را «غم‌زده» می‌بینند. روان‌پزشکان این وضعیت را انسداد سوگواری می‌نامند. امیر حسین جلالی، روان‌پزشک به «هم‌میهن» می‌گوید، ظرفیت تاب‌آوری جامعه به پایان رسیده و حداقل‌های ایمنی روانی را از دست داده است. او معتقد است، ایجاد حس تسلی در جامعه، نیازمند ادراکی از اعتماد و وجود ارتباط است که هیچ‌کدام در حال حاضر وجود ندارد. او جامعه را با سیستم پرورکتیک ناکارآمدی مواجه می‌بیند که کار نمی‌کند؛ چون «عصبانی، ناامید و دل‌زده» است.

▼ حال بد و بدتر

فرشته، زنی خانه‌دار است که به «هم‌میهن» می‌گوید، دلش نمی‌خواهد از خانه بیرون برود چون شهر «غم‌زده» است؛ «انگار گرد مرگ روی خیابان‌ها پاشیدند. اصلاً دوست ندارم از خانه بیرون بروم. احساس می‌کنم خیابان‌ها سرد و خالی است.» «حمید» صاحب کافه‌ای در مرکز شهر است که پسر خاله‌اش را دو روز پیش بازداشت کردند، هنوز با خانواده‌اش تماس نگرفته و آنها به هر کجا که سر زدند، نتوانستند نشانی از او پیدا کنند. او به «هم‌میهن» می‌گوید مشتری‌هایش از نصف هم کمتر شده: «هرکسی هم می‌آید حالش بد، عصبانی و هنگ است. مردم انگار در حال خودشان نیستند.» او می‌گوید، حال خودش هم بد است و دیگر نمی‌تواند با روی گشاده به استقبال مشتری‌هایش برود؛ «حالم خوب نیست و نگرانم از این به‌بعد قرار است برای ما چه اتفاقی بیفتد.» او این روزها را شبیه به هندوانه‌ای در بسته می‌بیند: «خیلی سخت است.» «نیلوفر» مربی ورزش است و باشگاه ورزشی دارد. او به «هم‌میهن» می‌گوید، بعضی از شاگردهایش وسط کلاس گریه می‌کنند؛ «آنها بعد کلاس با هم صحبت می‌کنند و هر چه را دیده و شنیده‌اند، به هم می‌گویند.» نیلوفر این روزها که اینترنت قطع شده دسترسی به اخبار ندارد چون در خانه ماهواره هم ندارد؛ «من همه اتفاقات را در گوشی‌های بچه‌ها دیدم و از زبان آنها شنیدم.» یکشنبه برای نیلوفر روز بسیار «غم‌انگیزی» بوده است: «آن روز من بعضی زیادی داشتم و فقط می‌خواستم تصویر باشگاه و خنده‌های شاگردانم را در ذهنم حک کنم، نتوانستم طولانی مدت در باشگاه بمانم و به خانه برگشتم.» شاگردهایش به نیلوفر گفته‌اند، باشگاه پناهگاه آنهاست؛ «من تلاش کردم روحیه‌ام را حفظ کنم نه فقط برای خانواده خودم، بلکه برای همه بچه‌ها و پرسنلی که با من کار می‌کنند. من هر حالی که داشتم، صبح به صبح در خودم نگه می‌داشتم اما در نهایت بچه‌ها انرژی من را می‌گرفتند و می‌فهمیدند.» شاگردهای نیلوفر روایت‌های متعددی از این روزها و اضطراب‌هایشان برای او گفتند: «با یکی از شاگردهایم که دو جلسه برای ورزش نیامده بود، تماس گرفتم و مادرش به ما گفت فعلاً در دسترس نیست.» «نگار» هم وزیر استار است و به «هم‌میهن» می‌گوید این روزها شهر، دنیای مرده‌هاست: «همه خیلی ناامیدند، از طرف دیگر هم منتظرند. من این روزها خیلی شنیدم که فلاّتی، ساجمه در سرش یا در پایش خورده، فلاّتی مُرده و دیگر حال خود را نمی‌فهمم.» او شب گذشته را با اضطراب شدیدی گذرانده است: «این همه آدم کشته شدند و من فکر می‌کنم یک اتفاقی



امیرحسین

جلالی‌ندوشن

روان‌پزشک:

نمی‌توان با مردم حرف نزد و دولت هم بگوید قطع ارتباطات دست ما نیست و به دستور نیروهای امنیتی انجام شده است. دولت می‌توانست اعلام کند شرایطی وجود دارد و این تصمیم گروهی امنیتی و مقامات ارشد است. آنها به دلایلی که برخی از آنها گفتنی نیست، به این نتیجه رسیدند که این وضعیت باید ادامه پیدا کند. اما پیامی که در حال حاضر از دولتمردان شنیده می‌شود نوعی مسئولیت‌گریزی است

▼ انسداد سوگواری

«قطعه عطف سوگ، پذیرش آن چیزی است که از دست‌رفته است.» این جمله را امیرحسین جلالی‌ندوشن، روان‌پزشک به «هم‌میهن» می‌گوید. او معتقد است، جامعه بیشتر از اینکه با سوگواری گروهی روبه‌رو باشد، با نبود امکان‌پذیری سوگواری گروهی روبه‌روست؛ «در موقعیتی مانند دوران کووید، ماهیت بیماری باعث می‌شد که افراد نتوانند دور هم جمع شوند و تهدید علیه همگان بود. مجلس سوگواری باعث انتشار بیماری و قربانیان تازه می‌شد. به همین دلیل آیین‌های متعارف سوگواری، دچار اختلال شده بود. در آن وضعیت، مسئله اختلال در سوگواری بود اما در موقعیت فعلی با انسداد سوگواری روبه‌رویم.» او انسداد سوگواری را به این معنی می‌داند که مشخص نیست چه چیزی از بین رفته و باید بر چه چیزی گریست؛ روایت مشخص و معینی وجود ندارد. «در میدان عمل اعتراضاتی وجود دارد که گفته می‌شود مورد دستبرد قرار گرفته و عوامل بیگانه ورود کردند. اقداماتی برای مهار خشمونت انجام می‌شود اما در حقیقت مثل هر اقدام خشمونت‌آمیزی علیه خشمونت، تعدادی آسیب‌دیده از جوانب مختلف بر زمین باقی می‌ماند. زمانی که فردی بر اثر بیماری یا تصادف می‌میرد، مشخص است چه کسی یا چه عاملی باعث از بین رفتن او شده و چه کسی از بین رفته و چه کسانی صاحب‌عزا هستند و چه چیزی را از دست داده‌اند، اما الان حتی کسانی که ادعای کنندو چیزی را محکوم می‌کنند هم نمی‌دانند از چه چیزی حرف می‌زنند، چون مشخص

گزارش
شهر

پنجشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۹۸۳
www.hammihanonline.ir

نیست چه چیزی را از دست داده است.» او معتقد است این وضعیت به فلج‌شدن روند زندگی اجتماعی منجر می‌شود: «زمانی که جامعه با انسداد به‌علت؛ ناممکن‌بودن سوگواری، نامشخص‌بودن مسئله و سردرگمی فراوان روبه‌رو می‌شود، این حالت تبدیل به وضعیت هیجانی کلافه‌کننده می‌شود. وضعیت‌های هیجانی کلافه‌کننده غیرقابل فهم است و وضعیت‌های غیرقابل فهم به خشمونت، تنش، تشویش، سردرگمی و بی‌نوعی فلج‌شدن روند زندگی در جامعه می‌انجامد.»

جلالی صحبت‌های مقامات دولت و نمایندگان مجلس، درباره تعیین شیوه اعتراض مدنی و انتخاب مکانی برای برگزاری تجمعات را نوعی «دفاع» می‌داند: «نوعی دفاع از این جهت است که مسئله به تأخیر انداخته شود و زمان خریده شود.» او در ادامه با اشاره به همبستگی ملی در زمان جنگ و پس از جنگ ۱۲ روزه می‌گوید: «افراد مختلف از رسانه‌ها و روشنفکران تا سیاستمداران و کنشگران بارها گفتند که این همبستگی نیاز به مراقبت و رسیدگی دارد و نمی‌توان انتظار ادامه وضعیت را داشت. اگر پاسخ مناسب به جامعه داده نشود، احساس منفی و سرخوردگی بزرگتری تولید می‌کند. از چندین ماه پیش گفته می‌شد که وضعیت کنونی اقتصاد، ارسال نشدن سیگنال‌های امیدبخش به جامعه و ندادن این پیام به جامعه که در وضعیت خودش تأثیرگذار و تعیین‌کننده است، ممکن است در بزنگاه‌ها باعث پایین آمدن ایمنی جامعه و ضربه‌پذیری آن شود. در حال حاضر نمی‌توان سوگواری کرد؛ چون انگار در خواب، بخش‌های مهمی از کشور -از مردم تا حکمرانی- ضربه مهمی دریافت کردند.» او درباره تأثیر مسدودشدن مجراهای اطلاع‌رسانی روی شکل‌گیری همدلی در جامعه می‌گوید: «هر اتفاقی تلخی که در جامعه می‌افتد، می‌بینید که افراد برای ابراز همدلی، شمع روشن می‌کنند، گل می‌گذارند، پیام می‌دهند، مراسم می‌گیرند و گفت‌وگو می‌کنند، زمانی که ما نیاز به دست هم را گرفتن و حرف‌زدن با هم داریم، تمام مجراهای اطلاع‌رسانی مسدود شده و حتی یک پیام ساده نمی‌توان فرستاد.» به گفته این روان‌پزشک، معنای چنین اتفاقی این است که فضای بیرونی چنان ناامن و شرایط چنان شکننده است که باید یک جامعه در خاموشی و انزوا کامل فرو رود؛ «تجربه‌های هیجانی تسلی‌بخش نیازمند ادراکی از اعتماد و وجود ارتباط است. در حال حاضر، هم در بی‌خبری هستیم، هم یک پیام ساده نمی‌توانیم به هم بدهیم.» او بر این باور است که باید به پیغام‌هایی که نبود ابزار ارتباطی در شرایط ویژه به جامعه می‌دهد و احساس‌هایی که در جامعه ایجاد می‌کند توجه کرد: «جامعه در حال حاضر باید به تمام آن چیزهایی که دارد ندارد محکم بچسبد و به هیچ چیز و هیچ کس اتکا و اعتماد نداشته باشد، به‌جای اینکه برای آنچه از دست داده سوگواری ومویه کند.» جلالی‌ندوشن با اشاره به اینکه کشور در وضعیت جنگ، بحران و شرایط ویژه است، در ادامه می‌گوید: «شش ماه پیش جنگ بود و مردم از خانه و زندگی‌شان آواره شدند، درآمد و کارشان را از دست دادند و ایده آنها درباره زندگی و آینده کشور دچار تحول شد. کسی که می‌خواهد کاری بکند، اول باید در جای امنی زندگی کند. اشتغال نیازمند این است که بدانیم قطعی و خشکسالی در پیش نیست و مردم زنده می‌مانند که بتوانند محصول کشاورز را بخرند. اگر می‌خواهید سرمایه‌گذاری کنید، نباید در این اضطراب باشید که سنگی از آسمان می‌آید و همه داشته شما را با خودش می‌برد.» او معتقد است که مسئله اصلی، تعداد روزهایی که این وضعیت ادامه پیدا کند، نیست؛ «چون جامعه به اندازه کافی از اندوخته خودش برای صوری و شکیبایی، خرج کرده و از حداقل‌هایی که می‌تواند ایمنی روانی خودش را مرعفات کند، گذشته است. حکمرانان باید با ابتکار عمل‌های جدی، همصدایی و همفکری، به وضعیت ویژه پایان دهند با اگر می‌خواهند وضعیت ویژه اعلام کنند، باید ایده‌ای برای آن داشته باشند.» جلالی با انتقاد از گفته‌های مقامات دولتی برای قطع دسترسی به اینترنت می‌گوید: «نمی‌توان با مردم حرف نزد و دولت هم بگوید قطع ارتباطات دست ما نیست و به دستور نیروهای امنیتی انجام شده است. دولت می‌توانست اعلام کند شرایطی وجود دارد و این تصمیم گروهی دولت، نیروهای امنیتی و مقامات ارشد است. آنها به دلایلی که برخی از آنها گفتنی نیست، به این نتیجه رسیدند که این وضعیت باید ادامه پیدا کند. اما پیامی که در حال حاضر از دولتمردان شنیده می‌شود نوعی مسئولیت‌گریزی است.» جلالی می‌گوید، این کار «نمک بر زخم پاشیدن» است و در مردم احساس «بی‌پناهی» ایجاد می‌کند؛ «موضوعی که نادیده گرفته می‌شود، این است، دولت می‌گوید به‌دلیل امنیت ملی اینترنت را قطع می‌کند؛ چون برخی از این بستر سوءاستفاده می‌کنند. ۹۰ میلیون نفر باید به‌خاطر گناه عده‌ای تنبیه شوند.» او در توضیح بیشتر این موضوع می‌گوید: «از سوی دیگر به عوامل بیرونی اشاره می‌شود، اما کسی که باید جلوی عوامل بیرونی را بگیرد شهروندان نیستند، دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی -که از بودجه عمومی که شامل مالیاتی می‌شود که از شهروندان می‌گیرند- باید این کار را انجام دهند. شهروندان مسئول این نیستند که به اندازه کافی مراقبت نشده و جاسوس، سلاح یا مزدور وارد کشور شده و آنها به‌دلیل این مسئله باید تنبیه شوند و کسب‌وکار، زندگی، آرامش و آسایش آنها تحت‌الشعاع این موضوع قرار گیرد. این مسئله خشم ایجاد می‌کند.» جلالی تصور حاکمیت از کنترل خشم را مورد انتقاد قرار می‌دهد: «این تصور ایجاد شده که کسی به خیابان نیامد و خشم، کنترل شده است اما خشم فقط به خیابان آمدن، سطل زباله و ساختمان آتش‌زدن نیست. نتیجه خشم، بهره‌وری پایین، مهاجرت، بیرون آمدن از ساختار دولت، درست کار نکردن، عدم رعایت حقوق عمومی و عدم مراقبت از امور عمومی است. جامعه با سیستم پرورکتیک ناکارآمدی مواجه است. رئیس جمهوری نتیجه‌نگرفتن را ناشی از تعداد بالای کارمندان دولت می‌داند، اما این نگاه مکانیکی است.» به گفته او سیستم کار نمی‌کند چون «عصبانی، ناامید و دل‌زده» است: «آدم‌ها عدد و ماشین نیستند، آدم‌ها قلب و جان دارند و زمانی که احساس تحقیر، نادیده گرفته‌شدن و بالاتر از آن، احساس فریب‌خوردن می‌کنند اگر صدایشان به‌شکل فریاد در نیاید و مشت‌شان گره نشود، به‌شکل دیگری این مسئله خودش را نشان می‌دهد.»

خبرسازان



ترخیص بخشی از مجروحان

سخنگوی وزارت بهداشت درباره وضعیت درمان مجروحان اعتراضات گفته است که براساس اطلاعات تا روز ۱۷ اعتراضات، بخش اعظمی از مجروحان ترخیص شده‌اند و تعدادی از آن‌ها برای جراحی‌های ثانویه در بیمارستان‌های سراسر کشور همچنان بستری هستند. به گزارش ایلنا، حسین کرمانیور درباره اقدامات درمانی انجام‌شده برای مجروحان اعتراضات اخیر توضیح داد: «در مواجهه با مجروحان هر حادثه‌ای دو بخش عمده از جمله اورژانس‌های پیش‌بیمارستانی و اورژانس‌های بیمارستانی داریم. در زمینه اورژانس‌های پیش‌بیمارستانی، آمبولانس‌های معروف به ۱۱۵ مشغول به کار هستند. تأکیدی می‌شود آمبولانس‌هایی که زیر نظر وزارت بهداشت هستند، تحت‌عنوان آمبولانس‌های ۱۱۵ شناخته می‌شوند که با سایر آمبولانس‌های خصوصی، آمبولانس بیمارستان‌ها و شرکت‌های خصوصی تفاوت دارند.» او ادامه داد: «تماسی که با ۱۱۵ گرفته شود، آمبولانس‌های ۱۱۵ خود را به محل حادثه می‌رساند. در این مدت نیز تمام آمبولانس‌های ما بسیج بودند که در حوادث، حاضر شوند و به افراد از هر گروهی که نیاز به کمک دارند، خدمات ارائه کنند. برای آن‌ها تفاوتی نداشت که فرد حادثه‌دیده از مردم معترض بوده یا از نیروهای انتظامی و امنیتی بوده است؛ آن‌ها براساس اصول حرفه‌ای در صحنه حاضر شدند.»



راهکارهای بهزیستی در شرایط بحران

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفته است که سامانه‌های مشاور با شماره تماس ۱۴۸۰، با متخصصان روانشناس در سراسر کشور به‌صورت تلفنی پاسخگوی سوالات مردم در شرایط بحران و استرس است. این خط تلفن در این روزها همراه مردم است تا آرامش را به آنها بازگرداند و مداخلات لازم را ارائه کند. حسن موسوی چلک، معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، با اشاره به خدمات سازمان بهزیستی در شرایط بروز بحران گفت: «وقتی بحرانی ایجاد می‌شود بسته به نوع بحران، آثار، پیامدها، گستردگی و مخاطبانی که از بحران تأثیر می‌گیرند، وظیفه دولت‌ها این است که بتوانند پاسخگوی نیازها و مشکلات افراد مرتبط با بحران باشند. این بحران‌ها می‌تواند مانند کرونا، سیل، جنگ ۱۲ روزه یا اعتراضات فعلی باشد.»

ادامه سر مقاله

نهاد سیاست با حذف یا دست‌کم قاعده‌مند کردن نظارت استصوابی، نهاد فرهنگ با حذف یا کاهش سانسور و سلسله تعصب بر آن، نهاد علم با دهن دادن نخبان و حذف یا محدودیت سهمیه‌های تبعیض‌آمیز، نهاد دینی دولتی با قطع یا کاهش بودجه‌های دولتی و عمومی و البته نهاد رسانه با راهی از این وضعیت. همچنان امیدواریم سخنگوی دولت در این فقره از جانب تمامیت حاکمیت و نه صرفاً دولت، موضع گرفته باشد و قضیه، شایعه‌ای بیش نباشد که وهن‌آلود هم هست ولی امید بالاتر این است که نظارت‌رئیس جمهوری که موافق استعمار قطع اینترنت نیستند (دوروز اول استثنا بود) لحاظ شود و استثنای چند روزه به فاعده میان مدت یا دراز مدت بدل نشود و فراتر از این دو برای احیای نهادها، مشخصاً نهاد رسانه و در چشم‌انداز کلی تر ۵ نهاد رسانه، دین، سیاست، علم و فرهنگ تدابیری بیاندیشند که در روزهای واقعه که در کمین هر حاکمیت و دولت و نظم سیاسی نشسته، نه نیاز به قطع اینترنت باشد و نه در انداختن شایعه یا اندیشیدن به جم‌آوری ماهواره که این دومی در همان دهه ۹۰ خطرناک شده بود و تکرار آن گلی را به سبزه آراسته می‌کند و صد البته استعاره گل و سبزه در آن طعنه‌آمیز است و تحقیر خیز و به تنبیه جمعی بیشتر مانده است تا تدبیر مُلک...